

بسم الله الرحمن الرحيم

مروری بر نوآوری‌ها و افزوده‌های نظریه فقه نظام استاد خسروپناه در امتداد شهید صدر (قدس سره)

(یادداشت اول)

مؤلف: حامد خلیلی^۱

میز فقه نظام‌های اجتماعی؛ اندیشکده دینا

راهنما: محسن امیدوار

چکیده

یکی از نظریات فقه نظام که در امتداد دستگاه فقهی شهید آیت الله سید محمدباقر صدر مطرح شده است، نظریه «فقه نظام ولایی» استاد عبدالحسین خسروپناه است. در این راستا، ابتدا، تعاریف ایشان از دو مفهوم کلیدی «فقه» و «نظام» و ویژگی‌های هر یک ارائه می‌شود. سپس، نظریه‌ی محوری ایشان یعنی «فقه نظام ولایی» با تأکید بر سه ساحت اصلی آن یعنی ایدئولوژی یا مذهب اجتماعی، فقه الاجتماع و ساختارهای اجتماعی تشریح می‌گردد. در ادامه، چهار جهت اصلی تولید فکر و نوآوری استاد خسروپناه در امتداد مکتب شهید صدر، شامل پرداختن به مفاهیم زیربنایی با دید فلسفی، علم دینی، فقه نظام حکمرانی، و اصول فقه نظام و قواعد فقهیه مرتبط، مورد بحث قرار می‌گیرد. این یادداشت نشان می‌دهد که چگونه رویکرد ایشان، فقه را به سمت طراحی ساختارهای عینی و نظام‌مند در عرصه‌های اجتماعی و حکومتی سوق می‌دهد.

کلمات کلیدی

فقه نظام‌های اجتماعی، فقه نظام ولایی، علوم انسانی حکمی، حکمرانی، فلسفه مضاف.

^۱، طلبه درس خارج فقه و اصول و سطح چهار حکمت متعالیه و پژوهشگر فقه نظام‌های اجتماعی

مقدمه

بحث «فقه نظام‌های اجتماعی» به عنوان یکی از رویکردهای نوین و تأثیرگذار در تاریخ فقه شیعه، به ویژه پس از تلاش‌های نظریه‌پردازانه آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. این رویکرد در صدد است تا آموزه‌های فقهی را از سطح مسائل جزئی فراتر برده و به حوزه تنظیم روابط و ساختارهای کلان اجتماعی تسری دهد. در این میان، استاد عبدالحسین خسروپناه به عنوان یکی از پژوهشگران برجسته و صاحب‌نظر، نقش مهمی در توسعه و تعمیق این مباحث ایفا کرده و با ارائه نظریه «فقه نظام ولایی»، افق‌های جدیدی را در این زمینه گشوده است.

انگیزه اصلی از نگارش این یادداشت، معرفی و بررسی ابعاد مختلف اندیشه استاد خسروپناه در حوزه فقه نظام است. با توجه به پیچیدگی‌های روزافزون جوامع مدرن و نیاز مبرم به الگوهای کارآمد برای مدیریت و راهبری اجتماعی مبتنی بر اصول اسلامی، فهم دقیق نظریاتی که به دنبال ارائه چنین الگوهایی هستند، ضروری به نظر می‌رسد. نظریه فقه نظام ولایی، با تأکید بر پیوند میان استنباط احکام شرعی و عملیات ولایت و ضرورت پرداختن فقه به ساختارهای عینی مانند نظام بانکی یا بیمه، نمونه‌ای از این تلاش‌هاست که می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در یک جامعه اسلامی قرار گیرد.

نوآوری اصلی این یادداشت ارائه یک تصویر منسجم و طبقه‌بندی شده از دیدگاه استاد خسروپناه، به ویژه با تمرکز بر چهار محور تکمیل‌کننده ایشان نسبت به مبانی اولیه مطرح شده توسط شهید صدر است. این نوشتار سعی دارد نشان دهد که چگونه استاد خسروپناه با نگاهی فلسفی به مفاهیم بنیادین، توجه به تولید علم انسانی اسلامی، ورود تخصصی به فقه نظام حکمرانی و بررسی قواعد فقهی و اصولی مرتبط، به غنای مباحث فقه نظام افزوده است.

در ابتدای این نوشتار به «تعریف فقه نظام و شاخصه‌های آن» از منظر استاد خسروپناه می‌پردازد و نظریه «فقه نظام ولایی» و ساحات سه‌گانه آن معرفی می‌گردد. پس از آن، به چهار جهت مذکور پرداخته و در نهایت، جمع‌بندی از مباحث ارائه خواهد شد.

۱. تعریف و شاخصه‌های فقه نظام

واژه «فقه نظام» متشکل از دو اصطلاح «فقه» و «نظام» است. علم فقه در دیدگاه استاد خسروپناه به معنای «علم عملیات استنباط احکام شرعی فرعی و عملیات ولایت از طریق ادله تفصیلی» می‌باشد (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۹، جلسه ۱۸). نکته مهم در این تعریف این است که فقه شامل عملیات ولایت هم می‌شود و صرفاً جنبه استنباطی ندارد.

«نظام یا سیستم عبارت است از مجموعه به هم پیوسته‌ای از مولفه‌ها و اجزا و عناصر در راستای تحقق هدف معین». پس شاخصه‌های نظام طبق این تعریف از این قرار است: ۱- اجزا و عناصر و مولفه‌هایی دارد؛ ۲- ثانیاً باید به هم پیوسته باشند؛ ۳- ثالثاً در راستای تحقق هدف مشخصی است و آن هدف مشخص را تأمین می‌کند. اخلال به هریک از این موارد اخلال به کل سیستم و نظام خواهد بود زیرا نتیجه تابع اخس مقدمات است (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۹، جلسه ۱۸).

از منظر ایشان، فقهی که به امور اجتماعی و حکومتی بپردازد، در میان فقهای گذشته هم وجود داشته است اما آنی که جایش خالی بوده است، فقهی است که رویکرد اجتماعی و حکومتی (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۹، جلسه ۱۷) و به تعبیر جامع‌تر، رویکرد ولایی داشته باشد (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۹، جلسه ۱۹). لذا ایشان در فقه نظام، نظریه «فقه نظام ولایی» را مطرح می‌کند و معتقد است که بایستی علاوه بر آن‌که حیطه فقه را توسعه داد تا شامل نظام‌های عینی خارجی هم شود، با رویکرد ولایی هم به فقه نگریست و خروجی فقهی ولایی را ارائه نمود. از منظر ایشان، «فقه نظام ولایی علم استنباط احکام و اعمال ولایت به صورت نظام‌مند در سه ساحت ۱- ایدئولوژی یا مذهب اجتماعی^۲ (مکتب اجتماعی)، ۲- فقه الاجتماع و ۳- ساختارهای اجتماعی^۳ است». این سه ساحت مذهب و فقه الاجتماع و ساختارهای اجتماعی در فقه نظام ولایی تأمین می‌شود لذا نباید فقط به بیان مذهب اجتماعی که توسط شهید صدر مطرح شده است، بسنده کنیم بلکه فقه باید به طراحی ساختارهای عینی هم بپردازد؛ مثل ساختار بانک و بیمه (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۹، جلسه ۱۹).

۲. افزوده‌های چهارگانه استاد خسروپناه

لازم به ذکر است که استاد خسروپناه فضای کلی مکتب فقهی شهید صدر (فقه مذهب محور) را پذیرفته است - که در یادداشت «مروری بر اندیشه فقهی و اجتهادی شهید صدر در راستای تأمین همه نیازهای انسان» به آن پرداخته شد - و تلاش نموده است در چهار جهت تولید فکر نماید:

۱. پرداختن وسیع به مفاهیم زیربنایی با دید فلسفی و بسط دادن آن.

۲. پرداختن به علم انسانی اسلامی.

۳. پرداختن به مقوله نظام در ساحت عینی که همان فقه نظام حکمرانی است.

^۲ در این مقاله مراد از مذهب، به اصطلاح شهید صدر است نه به معنای کلامی آن. مذهب، زیربنای تمامی گزاره‌های روبنایی شریعت و به سان اساس‌نامه یک شرکت است که تمامی رفتارهای شرکت براساس آن سامان می‌یابد. مثلاً مذهب اقتصادی «عبارت از طریقه‌ای است که جامعه در حیات اقتصادی‌اش ترجیح می‌دهد. از آن تبعیت کرده و با آن مشکلات عملی اقتصادی‌اش را حل نماید» (صدر، ۱۴۳۴، ج ۳، ص ۳۷).

^۳ محقق: بنظر می‌رسد که فقه الاجتماع اعم از ساختارهای اجتماعی است و شامل مطلق باید و نیاید‌های اجتماعی روبنایی هم می‌شود.

۴. پرداختن به برخی مباحث مهم اصول فقه نظام و قواعد فقهیه مهم در آن.

۱.۱. جهت اول؛ بسط مفاهیم با فلسفه

در جهت اول جایگاه فلسفه (اعم از مطلق و مضاف) و کلام را در مفاهیم روشن ساخته است و فصل مشبعی به این مقوله اختصاص داده است که به صورت ویژه در کتاب فلسفه فلسفه اسلامی و حکمت و فقه حکمرانی بدان اشاره شده است.

ایشان معتقد است که برای تحول در زیربنای نظام‌های اجتماعی و نیز علوم دینی، بایستی تحولی در فلسفه اسلامی ایجاد شود که اینک شهید صدر به خوبی به این قضیه عنایت داشته و کتاب فلسفتنا را نوشته است. البته سید شهید بیشتر به بحث‌های معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی پرداخته است اما بنا به عقیده استاد خسروپناه علاوه بر آن می‌بایست به بحث‌های انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و دین‌شناسی هم پرداخت (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۹، جلسه ۶)^۴. به بیان ایشان، برای اینکه فلسفه اسلامی بتواند به تمام زندگی ما امتداد یابد و انتظارات ما را برآورده سازد باید به نکاتی توجه شود که مهم‌ترین آن ذکر می‌شود:

۱. باید به فلسفه فلسفه اسلامی (با نگاه درجه دو و بیرونی) پرداخت و براساس سیر تاریخی فلسفه اسلامی را توصیف و تحلیل و آسیب‌شناسی کرد (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹، ص ۴۷۰). فلسفه فلسفه اسلامی دو مقام دارد: ۱- مقام توصیف فلسفه اسلامی تحقق‌یافته برای پاسخ‌یابی به پرسش‌های برون‌فلسفی (برون فلسفه اسلامی) که در آن هم به رویکردهای فلاسفه اسلامی و هم رهیافت‌های حکیمان برجسته به ویژه موسسان مکاتب و گرایش‌های شایع و رایج نیز پرداخته می‌شود (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹، ص ۹۹) و ۲- مقام توصیه فلسفه اسلامی بایسته (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹، ص ۹۵).

۲. فلسفه با معنای کنونی عوارض موجود بما هو موجود، نمی‌تواند همه انتظارات ما را از فلسفه برآورده سازد بلکه باید علاوه بر معقولات ثانیه فلسفی که اموری انتزاعی است، به امور خارجی هم بپردازد. به صورت کلی تمام علوم طبیعی و انسانی و اجتماعی و فنی و مهندسی و تمام حقایق عالم مبتنی بر مبادی فلسفی و عقلانی است که باید فلسفه اسلامی به آن‌ها بپردازد (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹، ص ۴۷۱ و ۴۷۲).

۳. بایستی استنباط مفاهیم و معارف عقلی مانند علم النفس، خداشناسی، راهنماشناسی، معادشناسی، هستی‌شناسی، جهان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ... از نصوص دینی، البته با روش ضابطه‌مند و بدون

^۴ خود شهید صدر هم بیان می‌کند که در کتاب فلسفتنا تنها به بحث‌های معرفت‌شناسی (شیوه تفکر) و هستی‌شناسی می‌پردازد (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹، ص ۶۲).

تحلیل و تطبیق آراء و پیش فرض های ذهنی و مقایسه آموزه های دینی با داده های فلسفه اسلامی در هر سه مشرب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه انجام شود (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹، ص ۴۷۲). مثلاً فیلسوفان مسلمان در مباحث علم النفس به ساحت ها، قوا و مراتب نفس پرداخته اند اما هیچ گاه خویشتن شناسی نکرده اند؛ در حالی که منابع روایی، بیش از بیان قوای نفس به خودشناسی و دغدغه های انسانی پرداخته اند (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹، ص ۴۶۰-۴۶۲).

۴. پرسش های مکاتب فلسفی غربی به خوبی در فلسفه اسلامی مطرح و پاسخ داده نشده است در حالی که توجه به این مطلب و پاسخ دهی به آن موجب بالندگی و رشد و توسعه فلسفه اسلامی می شود؛ مثلاً با همت علامه طباطبایی یا آقا علی حکیم، فلسفه نوصدرایی شکل گرفت و به پرسش های معرفت شناختی و هستی شناختی دکارتی پاسخ داده شد و سپس در اصول فلسفه و روش رئالیسم به پرسش های مارکسیستی پرداخته شد. (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹، ص ۴۶۵-۴۶۸). در این میان، از اهمیت فلسفه های مضاف فلسفه غرب (مثل فلسفه ریاضی، فلسفه علم، فلسفه اخلاق، فلسفه علوم اجتماعی و ...) نباید غافل شد و باید به خوبی به آن پرداخت. البته نباید گرفتار تقلید و غرب زدگی هم شد بلکه بایستی با بهره وری از فیلسوفان ملل جهان به بالندگی و رشد فلسفه اسلامی پرداخت (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹، ص ۴۶۹). در کتاب فلسفه فلسفه اسلامی، مجموعاً نه شرط برای امتداد فلسفه اسلامی ذکر شده است که به جهت رعایت اختصار بقیه موارد ذکر نمی شود. همچنین در این کتاب، شش قسم برای فلسفه مضاف ذکر شده است که بنا به عقیده ایشان، دو قسم آن ابتکاری است و نظر مختار ایشان می باشد.

۲.۲. جهت دوم؛ علوم انسانی اسلامی

در جهت دوم ایشان قائل به خوانش خاصی از علم انسانی اسلامی است که در کتاب های «نظریه پردازی در علوم انسانی حکمی»، «درس گفتارهای فقه نظام ولایی»، «در جست و جوی علوم انسانی اسلامی» و ... به تفصیل آمده است. در یادداشت بعدی به صورت مستقل به این مقوله می پردازیم.

۳.۳. جهت سوم؛ نظام های عینی

در جهت سوم، دو ساحت برای فقه نظام در نظر می گیرد که یک ساحت نظر است و دیگر ساحت عین. ساحت نظر همان مذهب به اصطلاح شهید صدر می باشد و ساحت عین، همان فقه نظام حکمرانی است که به طور تخصصی به این مقوله پرداخته است و قائل به نظام حکمرانی ولایی - حکمی است که به صورت

Commented [M1]: بحث خیلی انتزاعی بود. یکی دو مثال به بحث کمک زیادی می کرد

حامد: به سری مثال در خط دوم اضافه شد. نمیدونم دیگه جای دیگه هم مثال میخواد یا نه.

ویژه در «درس‌گفتارهای فقه نظام ولایی» و نیز کتاب «حکمت و فقه حکمرانی» به آن پرداخته است. به گفته ایشان حکمرانی^۵ شامل چهارحوزه است:

۱. فلسفه حکمرانی (به تعبیر دقیق‌تر حکمت حکمرانی): فلسفه حکمرانی، فلسفه مضاف به امور است نه فلسفه مطلق و نه فلسفه مضاف به علوم.

۲. فقه حکمرانی [به معنای عام]: شامل دو بخش است:

(۱) فقه حکمرانی [به معنای خاص]: شامل احکام تکلیفی (باید و نبایدها و ارزش‌های فقهی) و وضعی حکمرانی است.

(۲) ایدئولوژی حکمرانی (فلسفه فقه حکمرانی): در کتاب «فقه و حکمت حکمرانی»، مقصود از فقه و فقهات حکمرانی، ایدئولوژی و فلسفه فقه حکمرانی است.

۳. اخلاق حکمرانی: ارزش‌ها و باید و نبایدهای اخلاقی حکمرانی (فضائل و رذائل اخلاقی).

۴. علم حکمرانی (یک‌میان‌رشته‌ای بین علوم اجتماعی ناظر به حکمرانی) (خسروپناه، ۱۴۰۲، صص ۱۹-۲۵).

۴.۴. جهت چهارم؛ اصول فقه نظام و قواعد فقهیه آن

در راستای اصول فقه نظام، در کتب مختلفی چون «حکمت و فقه حکمرانی»، «نظریه‌پردازی در علوم انسانی حکمی»، «بیست‌گفتار» و ... و نیز در «درس‌گفتارهای فقه نظام ولایی» مباحثی طرح کرده است و البته یک کتاب مستقل در دست چاپ دارد. در راستای قواعد فقهیه مورد نیاز در فقه نظام، بالخصوص در قاعده لاضرر و امتدادهای مهم اجتماعی آن، کتاب «فقه و حکمرانی قاعده لا ضرر و لا ضرار» را تألیف نموده است. بنظر ایشان برخی قواعد فقهی مثل لاضرر و لا حرج جایگاه ممتاز و پرکاربرد در فقه نظام دارند.

جمع‌بندی

اندیشه‌های استاد عبدالحسین خسروپناه در زمینه «فقه نظام ولایی» نشان‌دهنده تلاشی عمیق و نوآورانه برای پاسخگویی به نیازهای جامعه اسلامی معاصر از طریق توسعه دامنه و کارکرد فقه است. ایشان با بازتعریف مفاهیم بنیادین «فقه» و «نظام» و با تأکید بر ضرورت رویکرد ولایی، چارچوبی نظری ارائه می‌دهند که فقه را نه تنها به مثابه علم استنباط احکام، بلکه به عنوان دانش طراحی و راهبری نظام‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد. توسعه مباحث در چهار جهت کلیدی «توجه به فلسفه‌های مطلق و مضاف و حداکثرسازی کارکردهای آن،

^۵ Governance.

ارائه نظریه در باب علم دینی، ورود به ساحت عین و فقه نظام حکمرانی و پرداختن به اصول فقه و قواعد فقهی نظام‌ساز»، گستردگی و جامعیت دیدگاه ایشان را آشکار می‌سازد.

نظریه «فقه نظام ولایی»، با پیوند زدن میان ساحت نظر (ایدئولوژی و مکتب اجتماعی) و ساحت عین (نظام‌های اجتماعی عینی)، ظرفیت فقه شیعه را برای نقش‌آفرینی فعال در طراحی و اجرای نظام‌های اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی به نمایش می‌گذارد. آثار ایشان، به ویژه در زمینه حکمرانی و روش‌شناسی علوم انسانی حکمی، منابع ارزشمندی برای پژوهشگران، سیاست‌گذاران و علاقه‌مندان به تحول در علوم انسانی و نظام‌سازی اسلامی به شمار می‌رود و مطالعه آن‌ها برای فهم عمیق‌تر این رویکرد توصیه می‌گردد. این دیدگاه می‌تواند به عنوان مبنایی برای تدوین سیاست‌های کلان و ایجاد ساختارهای کارآمد در جهت تحقق اهداف جامعه اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

البته نوشته فوق، مروری سریع بر اندیشه‌های استاد است و طبعاً ظرائف و نقاط ریز ولی مهم بسیاری وجود دارد که در متن نیامده است و توصیه می‌شود به تفصیل به آثار ایشان مراجعه شود یا لاقلاً در میان آثار، سه کتاب «فلسفه فلسفه اسلامی»، «نظریه‌پردازی در علوم انسانی حکمی» و «حکمت و فقه حکمرانی» مطالعه شود.

منابع

- صدر، محمد باقر. (۱۴۳۴). موسوعه (دراسات فی فکر الشهدید الصدر). [بی نا].
- خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۸۹. *فلسفه فلسفه اسلامی*. فلسفه فلسفه اسلامی. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. سازمان انتشارات.
- . ۱۳۹۸. *بیست گفتار درباره فلسفه و فقه علوم اجتماعی*. بیست گفتار درباره فلسفه و فقه علوم اجتماعی. مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- . ۱۴۰۲. *حکمت و فقه حکمرانی*. دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- . ۱۳۹۹. *درس گفتار فقه نظام ولایی*. سایت عبدالحسین خسروپناه، قابل دسترسی در: <http://khosropanah.ir/%d8%af%d8%b1%d8%b3-%d8%ac%d8%a7%d8%b1%d8%ac-%d9%81%d9%82%d9%87-%d9%86%d8%b8%d8%a7%d9%85-%d9%88%d9%84%d8%a7%db%8c%db%8c-2/>
- خسروپناه، عبدالحسین و پناهی آزاد، حسن. ۱۳۸۹. *هستی شناسی معرفت*. هستی شناسی معرفت. امیرکبیر.
- خسروپناه، عبدالحسین و دانشگاه علامه طباطبائی. معاونت پژوهشی. ۱۴۰۰. *نظریه‌پردازی در علوم انسانی حکمی*. نظریه‌پردازی در علوم انسانی حکمی. دانشگاه علامه طباطبائی. مرکز چاپ و انتشارات.
- خسروپناه، عبدالحسین و شورای عالی انقلاب فرهنگی. شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی.
- دبیرخانه. ۱۳۹۳. *در جستجوی علوم انسانی اسلامی*. در جستجوی علوم انسانی اسلامی. نهاد نمایندگی مقام

معظم رهبری در دانشگاه‌ها. دفتر نشر معارف.

خسروپناه، عبدالحسین و عاشوری، مهدی. ۱۴۰۰. *فلسفه علم، فناوری و جامعه*. فلسفه علم، فناوری و جامعه.

دانشگاه آزاد اسلامی. نشر علمی و دانشگاهی.